ایتالیا؟ سوم یا چهارم ۲۴

توتی: چه شروع باشکوهی ۲۴

جذابیت محض در هامبورگ ۲۵

منتظر مهدوی کیا هستیم ۲۶

گزارش خبرنگار شرق از آلمان

مصدوم پشت مصدوم

آرش راهبر- فریدریش هافن: پنجشنبه هشتم ژوئن ۲۰۰۶. کمتر از ۲۴ ساعت به آغاز مسابقات جام جهانی باقی مانده است اما هنوز اثری از شلوغ کاری‌ها و سرخوشی‌های فوتبال در دره منتهی به دریاچه بودن زه به چشم نمی‌خورد. جاده صاف و پرپیچ و خم می‌رود و می‌رود تا در نزدیکی ساحل دریاچه به شهر کوچک و توریستی فریدریش هافن می‌رسد، جایی که چند روزی است که نبض فوتبال ایران در آن می‌تپد. آن‌طور که در شهرهای بزرگتر مثل فرانکفورت و مونیخ به چشم می‌آید چندان اثری از برگزاری بزرگترین رویداد ورزشی جهان در فریدریش هافن دیده نمی‌شود. درجه حرارت به بالاترین میانگین روزهای سال رسیده و خیلی‌ها را به جنوب آلمان کشانده است. پشت بسیاری از اتومبیل‌ها کابین مسافرتی کوچک و بزرگ روان است و هر کسی هر جایی که به مذاقش خوش آمده لنگر انداخته است تا از منظره زیبای دریاچه و هوای پاک و کم‌رطوبت منطقه مرزی آلمان، سوئیس و اتریش حداکثر استفاده را ببرد. اینچنین است که صاحبان هتل‌های پرشمار منطقه جنوبی آلمان حالا وقت سر خاراندن ندارند و با حسرت به مشتریان می‌گویند که «جا نداریم». با این حال فریدریش هافن مهمانان خارجی زیادی هم دارد که فقط و فقط به بهانه فوتبال پا به این شهرک کوچک اما تر و تمیز و زیبا گذاشته‌اند. مهمانان که گاهی آرامش خیال‌انگیز شهر را به هم می‌زنند، بوق می‌زنند و فریاد می‌کشند در حالی که پرچم سه رنگ ایران بر دوش آنها خودنمایی می‌کند. در کنار بازیکنان تیم ملی ایران که در آستانه نبرد بزرگ جهانی خود را آماده می‌کنند، هواداران آنها نیز درصدد یافتن آخرین اطلاعات مربوط به سطح کیفی بازیکنان و سلامتی آنها هستند و دوست دارند بدانند که چطور می‌شود راهی به تمرین تیم ملی پیدا کرد.

تیم ملی ایران چند روزی است که سفت و سخت و دور از چشمان تیزبین خبرنگاران بین‌المللی تمرین می‌کند و تنها عصر چهارشنبه فرصتی به هوادارانش داده که آزادانه به زمین تمرین کمپ «زپلن اشتادیون» سرازیر شوند تا آنجا که دلشان می‌خواهد از ستارگان پارسی امضا بگیرند. بازیکنان از اینکه می‌دیدند حدود سه هزار نفر در جایگاه نسبتاً کوچک ورزشگاه وول می‌خورند احساس خوبی داشتند. حالا از هوای بارانی دلگیر روزهای اول خبری نیست و آفتاب دل‌ها را هم گرم کرده است. تماشاگران به انحای مختلف سعی دارند به بازیکنان روحیه بدهند و بین خود بازیکنان هم آتش محبت فروزان است. از دودستگی و اختلاف سلیقه‌ها خبری نیست و حس دوستی در بین بازیکنان به خوبی به تماشاگران القا می‌شود. تماشاگران هم سعی می‌کنند از این فرصت محدود کمال استفاده را ببرند، چون معلوم نیست که در تمرین بعدی چقدر شانس حضور همه مردم فراهم شود. اصلاً باید گفت دقیقاً صفر درصد!

■■■

عصر پنجشنبه است و خبرنگاران خسته و کوفته پس از حدود ۱۳ ساعت مسافرت در هواپیما و اتوبوس بالاخره از حصار اطراف زمین تمرین عبور می‌کنند و به سکوهای مشرف به زمین تمرین تیم ملی می‌رسند. برانکو ایوانکوویچ برخلاف روزهای تمرین در تهران شکایتی ندارد و با کمال تعجب به یکی از خبرنگاران می‌گوید: «از دیدن شما خبرنگاران در کنار تیم ملی بسیار خوشحالم.» برانکو که اخبار متفاوت و گاهی متناقض درباره تیم ملی از این طرف و آن طرف شنیده، از اینکه دسته خبرنگاران خودی به آلمان آمده‌اند سرحال است و فکر می‌کند به این ترتیب شایعات روحیه خراب‌کن رسانه‌های خارجی پی کارش خواهد رفت. برانکو خبر استعفایش را تکذیب می‌کند و می‌گوید که با قدرت کارش را ادامه خواهد داد. در کنار او بازیکنان زیر نظر حسین فرکی مشغول بازی با توپ و تمرین‌های نشاط‌آور هستند. لحظاتی بعد دکتر دادکان هم در حلقه یاران می‌ایستد و سعی می‌کند با جملات روحیه‌بخش عزم آنها را برای پشت سر گذاشتن تمرین چند برابر کند.

در اطراف زمین تمرین دکتر خانلری و برادران آدام راه رفتن و دویدن بازیکنان را زیر نظر دارند و سعی می‌کنند روش‌های خاصی برای بهبودی بازیکنان مصدوم اجرا کنند. نگرانی اصلی مربوط به فریدون زندی و مهدی مهدوی‌کیا است. فری هنوز زانودرد دارد و مهدی هم کمی با احتیاط تمرین می‌کند. البته احتیاط گاهی فراموش می‌شود و مهدی هم نرمش‌های عمومی را با قدرت انجام می‌دهد و این طوری خیال کادر پزشکی و فنی را تا حد زیادی راحت می‌کند که حتماً به بازی یکشنبه خواهد رسید.

در گرم کردن، زوج‌های همیشگی باز هم در کنار هم قرار می‌گیرند. البته تغییراتی هم هست. علی دایی پنجه‌اش را در پنجه سهراب انداخته و یحیی را موقتاً به مهدی مهدوی‌کیا سپرده است. فری هم با وحید کشتی کار می‌کنند و الی آخر. نکته جالب اینجا است که به جز اندریاس و فرانک آدام برادران ماساژور تیم ملی همگی لباسی مشابه هم پوشیده‌اند و با کمی فاصله تشخیص آنها مشکل می‌شود. این پولتیک شاید برای به‌هم زدن تمرکز چشم‌های مراقبی است که این روزها بیشتر در تمرین مکزیک می‌پلکد. چند خبرنگار مکزیکی با دوربین و میکروفن روی سکوها نشسته‌اند و سعی می‌کنند خیلی مودبانه با خبرنگاران ایرانی تبادل نظر کنند و اطلاعات بیشتری از ترکیب و اوضاع سفیدها به‌دست بیاورند. کمی بعد بحث در می‌گیرد و گروهی از خبرنگاران ایرانی که انگلیسی یا فرانسه می‌دانند با مکزیکی‌ها هم‌کلام می‌شوند. مکزیکی‌ها خیلی واقع‌گرا و منطقی هستند و می‌گویند ایران تیم قدرتمند و خطرناکی است و هرگز به‌عنوان تیم چهارم تلقی نخواهد شد. تبادل افکار به این ترتیب به‌صورت منطقی پیش می‌رود و کرکری‌های معمول و احساسی در نمی‌گیرد. توی زمین اما فارغ از مباحثات روی سکوها بازیکنان به مرحله بعدی می‌پردازند. علی دایی سفارش می‌کند که کفش اختصاصی‌اش را بیاورند. او می‌خواهد کفش آدیداس مخصوص خودش را که با سایز و مشخصات فیزیکی پایش تولید شده دوباره امتحان کند و اجازه بدهد که پایش بیشتر به این استوک سفید با خطوط سبز و قرمز عادت کند. عصر چهارشنبه که آمد این کفش را کنار زمین بپوشد با تشویق فوق‌العاده‌ای از سوی ۳۰۰۰ تماشاگر و هوادار تیم ملی مواجه شد. این جور حمایت‌ها او و بقیه بازیکنان را سرحال می‌آورد. بازیکنان در این چند روز تحت تدابیر شدید اردویی و امنیتی بوده و هستند و به آنها اجازه داده نمی‌شود که از هتل خارج شوند. آنها تنها تا فضای باز اطراف هتل کرونه (Krone) حق عبور دارند و نباید اردو را تحت هیچ شرایطی ترک کنند. این موضوع بعضی از آنها را کلافه کرده اما به هر حال در آستانه مهمترین بازی‌های تیم ملی در سال‌های اخیر راهی جز این باقی نمی‌ماند. البته شهر فریدریش هافن هم چیزی ندارد که ذهن بازیکنان را به خود مشغول سازد. تنها دریاچه مسحورکننده «بودن زه» است که می‌تواند بهانه‌ای برای بیرون زدن از اتاق‌های شیک و زیبای هتل باشد. با این حال این دریاچه از پنجره‌ها هم تماشایی است. حلقه امنیتی تیم ملی تنها به افراد کادر فنی و سرپرستی محدود نمی‌شود. از سوی کمیته برگزارکننده هم تعداد قابل توجهی از کت و شلوارپوش‌ها و افراد ملبس به کادر نارنجی‌رنگ بازیکنان را زیر نظر دارند. آنها با دقت قوانین فیفا را در مورد برنامه‌های تمرینی رعایت می‌کنند و مانع از بر هم خوردن نظم و ترتیب رفت‌وآمد تمرین می‌شوند. در بین آنها محمودرضا فاضلی هم به عنوان عضو فیفا دیده می‌شود. فاضلی از جمله یونیفورم‌پوش‌های مراقب است و البته سعی می‌کند در نبود برانکو اطلاعات قابل ذکر تیم ملی را به خبرنگاران بازگو کند. طبعاً بیشتر سئوالاتی که از او پرسیده می‌شود در ارتباط با مهدی مهدوی‌کیا و مصدومیت او است و فاضلی هم هر بار می‌گوید: «خدا را شکر. خیلی خوب است و حتماً یکشنبه بازی خواهد کرد.» مهدی و بقیه بازیکنان به زمین مجاور رفته‌اند و آنجا به دو تیم تقسیم شده‌اند. زمین کناری حدوداً دو متری از نظر سطح پایین‌تر از زمین اصلی قرار دارد و با توجه به حصارهای کنارش دید خبرنگاران را به طور کلی مختل می‌کند. از دور تصاویر مبهمی از بازی تیم اصلی و تیم دوم به چشم می‌آید و به نظر این حربه هم برای فرار از لو رفتن ترکیب اصلی تیم در نظر گرفته شده است. حدود ساعت ۷/۵عصر در حالی که هنوز هوا کاملاً روشن است تمرین تمام می‌شود و بازیکنان می‌روند که لباس‌هایشان را عوض کنند. به این ترتیب آنها از نزدیکی سکوها رد می‌شوند و دوباره بازار عکس و امضا داغ می‌شود. خبرنگاران هم در گوشه‌ای دیگر سعی می‌کنند سئوال‌هایشان را بپرسند. برانکو کمی نگران به نظر می‌رسد. یکی دیگر از افراد جناح چپ مصدوم شده و این موضوع اوضاع را کمی به هم می‌ریزد. ستار زارع از ناحیه زانو آسیب دیده و دست در گردن دو نفر همراه از حاشیه زمین بیرون می‌رود. امیرحسین صادقی هم روی مچ پایش یخ گذاشته و زیرچشمی به ستار نگاه می‌کند. سوژه برای کنفرانس خبری آخر تمرین مهیا است و حالا می‌شود از برانکو حرف‌های تازه‌ای شنید.

خبر آخر

برانکو: تمام ضعف‌های مکزیک را می‌شناسم

خبرنگاران ایرانی احاطه‌اش کرده بودند. سئوال مشترک این بود که چرا زمین تمرین تیم ملی تغییر کرده؟ او برای اینکه از دلخوری خبرنگاران ایرانی بکاهد گفت: من به خاطر حضور شما که زمین تمرین را تغییر نداده‌ام، بلکه می‌خواستم فشار را از روی زمین تمرین اصلی بردارم. از اول هم برنامه‌ای جز این نداشتم. پس این موضوع ربطی به خبرنگاران ندارد. غیر از اینها، مصاحبه‌های مطبوعاتی شباهت کاملی به گفت‌وگوهای قبلی برانکو ایوانکوویچ داشت. سئوالات تکراری درباره مصدومیت کریمی، مهدوی کیا، زندی و آخرین عضو بداقبال این گروه یعنی ستار زارع. کریمی می‌رسد، مهدوی کیا هم دارد با تیم تمرین می‌کند، وضعیت زندی و زارع هم فردا (امروز) مشخص خواهد شد. دیگر چه؟ خبر خاصی نیست. بازیکنان با تمام قوا به زمین می‌روند و مقابل مکزیک ایستادگی خواهند کرد.

▲ستار زارع بعد از تمرین ۵شنبه بعدازظهر به کمک ماساژور آلمانی به بیمارستان منتقل شد. او آخرین مصدوم تیم ملی است. عکس: AFP

دقیقه صفر

گزینه‌های صعود

رضا نیک‌فرجام

در روزهای اخیر این سئوال اپیدمی شده که در مسابقات جام‌جهانی فوتبال چند امتیاز برای صعود از گروه دوم لازم است و یا اینکه با چند برد می‌توان قهرمان شد یا در جمع چهار تیم قرار گرفت؟ دامنه این اپیدمی حتی به تبلیغات سس مایونز هم رسیده و از آن جالب‌تر پاسخ‌های محیرالعقولی که کارشناسان و صاحب‌نظران تلویزیونی مطرح می‌کنند. تیم سوم جام‌جهانی گذشته را به خاطر دارید؟ ترکیه در ۲۰۰۲ کره ـ ژاپن به مقام سوم رسید. به این نکته توجه کرده بودید که این تیم فقط با سه برد مقابل سه تیم آسیایی ـ کاری که تیم ملی ما هم اغلب در تورنمنت‌های آسیایی انجام می‌دهد ـ به این مقام نائل آمد؟ برد در مقابل چین در گروه مقدماتی (۰-۳) به علاوه باخت به برزیل (۲-۱) و تساوی با کاستاریکا (۱-۱) موجب صعود این تیم با چهار امتیاز به عنوان تیم دوم شد. برد ژاپن در یک‌هشتم نهایی (۰-۱)، تساوی با سنگال در یک‌چهارم (صعود با گل در وقت اضافه)، باخت مجدد به برزیل در نیمه نهایی (۱-۰) و در نهایت پیروزی بر کره‌جنوبی در دیدار رده‌بندی (۲-۳).

پس از این مثال بپردازیم به امتیاز لازم برای صعود از گروه. مشاهده کردید که چهار امتیاز از یک صعود و یک تساوی می‌تواند برای صعود کفایت کند. در این حالت باید دعا کنید همگروهی داشته باشید که با سه برد و ۹امتیاز کامل صدرنشین شود و شما خفیف‌ترین باخت گروه را مقابل این تیم داشته باشید و یا اینکه تیم قعرنشین را که لاجرم صاحب سه باخت شده با نتیجه بهتری برده باشید (به زبان ساده یعنی صعود به لطف تفاضل گل).

آیا سه امتیاز هم برای صعود کفایت می‌کند؟ پاسخ به طرز خنده‌آوری مثبت است. طالع اگر مددکند «شما با تنها یک برد و دو باخت هم قادر به صعود هستید و این در صورتی است که یک تیم در گروه صاحب سه برد و ۹ امتیاز شود و سه تیم دیگر به صورت چرخشی در مقابل یکدیگر به پیروزی برسند و نهایتاً یکی از این سه تیم با سه امتیاز و به لطف تفاضل گل بهتر به عنوان تیم دوم صعودکند. مثلاً در گروه چهارم: آنگولا در مقابل سه تیم ایران، پرتغال و مکزیک به برتری می‌رسد؛ ایران مقابل پرتغال به برتری می‌رسد، پرتغال مکزیک را شکست می‌دهد و مکزیک بر ایران پیروز می‌شود- این فرض اصلاً دور از ذهن و غیرممکن نیست و بردهای چرخشی در مسابقات گروهی زیاد رخ می‌دهد، خصوصاً در مورد ایران ـ در این حالت، ایران می‌تواند براساس گل‌های رد و بدل شده صعود کند. آیا می‌توان بدون برد هم صعود کرد؟ لطفاً عصبانی نشوید چون جواب باز هم بله است! اگر یک تیم در گروه شما صاحب دو برد شود و شما موفق به کسب سه تساوی شده باشید در آن صورت صدرنشین گروه ۷امتیازی است و شما صعود می‌کنید اگر... اگر دو تیم دیگر با هم به تساوی رسیده باشند. در آن صورت آن دو تیم صاحب دو امتیاز از دو تساوی و یک باخت هستند و شما با سه امتیاز به عنوان تیم دوم صعود می‌کنید. مثال ملموس: ایران با هر سه تیم مکزیک، پرتغال و آنگولا مساوی می‌کند، پرتغال و آنگولا هم در روز اول به تساوی می‌رسند، مکزیک هر دو تیم آنگولا و پرتغال را شکست می‌دهد. پس می‌بینید، حتی اگر مسابقات اول و دوم هم با برد خاتمه نیافته باشند، می‌شود صعود کرد. آیا می‌توان به حکم قرعه صعود کرد؟ البته که... بله! شاید به خاطر داشته باشید که در جام‌جهانی ۱۹۹۰ در گروه ششم انگلستان با چهار امتیاز از یک برد و دو مساوی صدرنشین شد! و ایرلند جنوبی و هلند با سه امتیاز حاصل از سه تساوی شرایطی کاملاً مشابه داشتند و به حکم قرعه ایرلند در مکان دوم و هلند در جای سوم گروه قرار گرفتند. البته در آن سال‌ها جام‌جهانی با ۲۴ تیم برگزار می‌شد و چهار تیم از تیم‌های سوم گروه‌های شش گانه هم به یک‌هشتم نهایی صعود می‌کردند و این قرعه‌کشی در حقیقت برای مشخص شدن حریفان بعدی بود ولی در شرایط فعلی در چنین وضعی باز هم قرعه‌کشی انجام خواهد شد که حکم به صعود یکی و حذف دیگری خواهد داشت.

ادامه در صفحه ۲۶

سایت اینترنتی : ستاره های پارس
سایت WWW.STARSOFPERSIA.COM (شعار تیم ایران در مسابقات)
با هدف اطلاع رسانی و ایجاد بانک اطلاعاتی حضور تیم ملی کشورمان در جام جهانی آلمان ایجاد گردیده است، از کلیه ارگانها، سازمانها و شرکتها جهت پشتیبانی-سرمایه گذاری-جوایز و تبلیغات دعوت میگردد.
تلفن ۸۸۸۲۸۹۳۸/فکس ۸۸۸۴۱۸۴۰/پست الکترونیک adm@starsofpersia.com